

شهید علی حسین زاده




ازتبار علی
سازمان جامع سوادان و فرهنگیان استان بوشهر

نام پدر	ابراهیم
تاریخ تولد	۱۳۴۵/۰۱/۰۳
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۲/۰۴/۲۹
محل شهادت	پیرانشهر
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	برازجان

زندگینامه

زندگینامه شهید

شهید علی حسین زاده فرزند ابراهیم در تاریخ ۳/۱/۱۳۴۵ در شهر برازجان در خانواده ای مذهبی و متدین دیده به جهان گشود. ایشان در محله فقیر نشین برازجان و در خانواده ای مستضعف ولی معتقد به اصول پرورش یافته مادر وی او را از همان کودکی با احکام اسلام آشنا نمود و به او درس عشق و ایثار آموخت. او بعد از آموختن الفبای عشق به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) از دامان مادر خویش وارد دوران ابتدایی تحصیل خویش گردید و در دبستان خضر واقع در محله اشان شروع به تحصیل کرد او در درس خواندن کوشا بود و درس خویش را با اشتیاق می خواند و به تکالیفش را انجام می داد. او در سنین نوجوانی و در مقطع راهنمایی بود که زمزه های انقلاب اسلامی و شور مردمی به برازجان رسید او در تظاهرات بر علیه رژیم منحوس پهلوی شرکت می کرد و در عین کم بودن سنش ولی همیشه چون بزرگان فعال بود. شهید حسین زاده همیشه به نماز اول وقت و جماعت اهمیت می داد و در نماز جمعه و جماعات شرکت می نمود او علاوه بر این دیگران هم را به این کار تشویق می کرد. او بعد از پیروزی انقلاب به رهبری امام خمینی در پایگاه بسیج محله فعالیت خویش را آغاز نمود و همواره در بسیج مشغول به نگهبانی و گشت زنی بود. او شبها در بسیج به فعالیت می پرداخت و روزها در مدرسه به درس خواندن مشغول بود، تا این که جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران شروع گردید. حسین که در این میدان وظیفه خود را این دانست که به این میدان وارد شود تا به وظیفه خویش عمل نماید. او عشق به امام داشت و دوست داشت که بتواند در میدانی از ولایت دفاع نماید پس بارها به جبهه نبرد اعزام گردید و از خود رشادتها نشان داد. او دانش آوزان مقطع دبیرستان بود ولی وظیفه را در میدانی دیگر دید و با عشق به آن اعزام گردید. او آخرین بار در تاریخ ۱۶/۳/۶۲ به جبهه اعزام گردید و در منطقه پیرانشهر در عملیات

والفجر ۲ در تاریخ ۲۹/۴/۱۳۶۲ بر اثر اصابت گلوله به فیض عظیم شهادت نائل آمد.

وصیت نامه

مردم مسلمان وامت ایتارگر امیدوارم که راه امام را ادامه دهید و امام را تنها نگذارید شهید علی حسین زاده با درود و سلام فراوان به پیشگاه امام زمان (عج) و نائب برحق او امام خمینی بت شکن تاریخ دوهزار پانصدساله شاهنشاهی وبا درود و سلام فراوان خدمت خانواده های ایتارگر شهدا که بحق چشم و چراغ این ملتند وامت ایتارگر اسلامی که با نثار مالشان جبهه را یاری می نمایند مردم مسلمان وامت ایتارگر امیدوارم که راه امام را ادامه دهید و امام را تنها نگذارید واز مادر و پدرم می خواهم که در مرگ من عزا نگیرند چون من مشعوق خود یعنی شهادت رسیده ام و عروسی شهادت است و گلوله های رسام نقل و شمع آجیل عروسی من است و صداهای گلوله آرپی جی و توپ عروس مرا خوشآمد می کنند. من در میان این هلهله ها به حجله عروسی معشوق شهادت خواهم رفت پدر جان مادر جان برادران خواهران عزیز گریه نکنید من آخر روزی می خواستم بمیرم چه بهتر حالا که با آگاهی کامل بدیدار شهادت شتافتم امیدوارم روزی که مرا تشییع کنند حساب کنند که مرا حنابندان کرده اند واز شما می خواهم که یک پرچم سبزی بر خانه بزنید دوست دارم کفن من پرچم ایران باشد یکماه روزه بدهکار هستم برایم بگیرید از شما عزیزان می خواهم که هر روز پنج شنبه و یا جمعه سری هم به قبر حقیر بزنید از تمام دوستان می خواهم که در هفته هم یادی از ما بکنند و سری هم به قبر ما بزنند از پدر و مادر می خواهم که مرا حلال کنند امیدوارم که خدا رزمندگان اسلام را پیروز بگرداند. از خداوند طلب آمرزش دارم واز کلیه کسانی که حق الناس در گردن من دارند امیدوارم که مرا حلال کنند. پدر و مادر م برادر م و خواهران امام را تنها نگذارید. ۶/۴/۶۲



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران